

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۸/۰۹

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۹/۱۸

(ص ۸۹-۹۷)

گیلکون: جاینامی ارمنی در خسرو و شیرین نظامی

امیر ضیغمی*

چکیده

در مثنوی خسرو و شیرین نظامی، هنگامی که خسرو، آزرده از معشوق راه قسطنطنیه در پیش می‌گیرد، شاعر در مسیر حرکت او، به جایی به نام گیلکون / گیلکان اشاره می‌کند که محل آن شناخته نیست. برخی شارحان آثار نظامی بدون توجه به حرکت خسرو از موغان به سوی قسطنطنیه، این جاینام را با گیلان مرتبط دانسته‌اند. نگارنده با رجوع به آثار تاریخی-ادبی فارسی و منابع جغرافیایی عربی و ارمنی نشان داده است که گیلکون مذکور در خسرو و شیرین، در مسیر بردع به دبیل قرار داشته است و با جاینام گفارکونیک (*Gkharḡonik*) در ارمنستان امروزی مطابقت می‌کند، بنابراین ارتباطی با جاینام گیلان یا قوم‌نام گیل ندارد.

کلیدواژه‌ها: نظامی، خسرو و شیرین، گیلکون، گفارکونیک / گلاکونی، ارمنستان.

درآمد

در مثنوی خسرو و شیرین حکیم نظامی گنجه‌ای (د. ۱۴۶۰ق)، آنجا که شیرین به کاججوی خسرو تن نمی‌دهد و شاهزاده ناکام، آزرده از دلدادۀ خویش، راه **قسططنیه** در پیش می‌گیرد، شاعر به جایی به نام **گیلکون/گیلکان** اشاره کرده است:

پس آنکه پای در گیلی بیفشرد ز راه **گیلکون/گیلکان** لشکر به در برد

این واژه در چاپ وحید دستگردی، **گیلکان** ضبط شده (نظامی، ۱۳۷۶: ۱۵۹) و مصحح در پاورقی، مراد از «راه **گیلکان** یا **گیلکون**» را «از طرف **گیلان**» دانسته و اضافه کرده است که گیلانیان را هنوز هم گیلک گویند (وحید دستگردی ← هانجا، پاورقی ۳). همو (← هانجا، پاورقی ۴؛ نیز: پیوست ۱، ص ۴۹۵) در نسخه‌بدل‌ها ضبط **گیلکون** را نیز آورده است. در نسخه مصحح برات زنجانی نیز این واژه به صورت **گیلکون** آمده است (نظامی، ۱۳۷۹: ۹۸) و مصحح در تعلیقات، تنها اشاره کرده که **گیلکون** اسم جایی بوده است (زنجانی ← نظامی، ۱۳۷۹: ۴۷۲). ثروتیان، دیگر مصحح آثار نظامی، این جاینام را **گیلکون** ضبط کرده (نظامی، ۱۳۸۶: ۲۵۱) و نوشته است که منظور از «گیلکون معلوم نگردید» (ثروتیان ← همان: ۶۳۰). در خسرو و شیرین چاپ باکو (نظامی، ۱۹۶۰: ۲۷۷) و گزیده خسرو و شیرین (همو، ۱۳۷۶: ۱۱۸) نیز این جاینام، به ترتیب، به صورت **گیلکون** و **گیلکان** ضبط شده است. آیتی (← همان: ۴۱۷) در تعلیقات گزیده خسرو و شیرین، **گیلکان** را «گیلک + ان پسوند مکان و نسبت» و مترادف **گیلان** دانسته است.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود شارحان به این مسئله توجه نکرده‌اند که خسرو از **موغان** (**موقان**، محل اقامت شیرین) به سوی **قسططنیه** حرکت می‌کند و بنابراین به هیچ روی ممکن نیست که از **گیلان** گذشته باشد. تنها مجتبی مینوی در تصحیح ترجمۀ کتاب سیرت جلال‌الدین منکبرنی (قرن ۷)، هنگامی که به جاینام **گیلکون** برخورده (نک: خرنذری ازیدری، ۱۳۸۴: ۱۵۲، ۱۵۴، ۲۶۷) متوجه این تناقض شده و در پایان کتاب، در بخش «افاضات و تصحیح اغلاط»

^۱ تلفظ و صورت صحیح این نام، **جزیدری** است (برای تفصیل در این باره، نک: شفیع کدکنی، مجذرضا (۱۳۹۳)، «خرنذری یا جزیدری؟»، بخارا، س ۱۵، شم ۹۹: ۲۶-۲۹).

نوشته است:

اسم این محل بدین صورت و نیز به شکل **گیلکان** در خسرو و شیرین نظامی آمده است؛ در داستان حرکت کردن خسرو پرویز از **موغان** که محل شیرین بوده است به **قسططنطیه** (مینوی ← خزندزی زیدری، ۱۳۸۴: ۴۷۸).

و پس از نقل بیت مذکور، اضافه کرده است که «تصور اینکه مراد **گیلان** باشد ناشی از ساده‌لوحی و بی‌دقتی است» (همانجا). مینوی (← همان: ۳۹۲) در تعلیقاتی که بر کتاب مذکور نوشته، درباره جاینام **گیلکون** توضیحی داده است که تا حدودی راهگشاست:

در تاریخ گرجستان مستخرج از مآخذ گرجی که بروسه به فرانسه تهیه کرده است^۱، در جلد اول ص ۵۲۰ این محل به صورت **Gélacon** آمده است و از عبارت کتاب برمی‌آید که محلی کوهستانی و بیلاقی بوده است در جوار کوه آزارات که لشکریان تانار آنجا را برای اقامتگاه تابستانی خود برگزیدند.

بحث

در نسخه‌های کهن **خمسۀ نظامی**، مانند نسخ مضبوط در کتابخانه ملی پاریس، مورخ ۷۶۳ق و ۷۶۷ق، این واژه به ترتیب، به صورت **گیلکون** (ک ۳۴ ر، حرف **ی/** بدون نقطه) و **کیله کون** (ک ۵۳ پ) آمده است که تردیدی برای پذیرفتن ضبط **گیلکون/گیلکون** باقی نمی‌گذارد^۲. از میان جغرافی‌نویسان دوره اسلامی، اصطخری (د. ۳۴۶ق)، ابن حوقل (د. پس از ۳۶۷ق) و مقدسی (۳۳۴-۳۸۰ق) از این محل یاد کرده‌اند. این جاینام در *احسن‌التقاسیم* مقدسی (۱۹۰۶: ۳۸۲) به صورت **گیلکونی** و در *مسالك و الممالک* اصطخری (۱۹۲۷: ۱۹۳)^۳ به شکل **کیل‌کوی** ضبط شده، البته دخویه صورت‌های **گیلکون** و **کلیکون** را نیز به دست داده

^۱ Brosset, M. F. (1849-1858), *Histoire de la Géorgie*, 5 vols., Saint-Petersbourg.

^۲ البته در برخی نسخه‌ها به صورت‌هایی مانند **گیلوان** نیز برمی‌خوریم (به عنوان نمونه، نک: نسخه خسرو و شیرین کتابخانه علامه اقبال دانشگاه کشمیر، MSS NO. 07، ک ۱۰۲ پ). ولی ضبط نسخه‌های کهن تا جایی که نگارنده جستجو کرده، همان **گیلکون/گیلکون** است.

^۳ این واژه در چاپ محمدجابر عبدالعال حسینی (قاهره، ۱۹۶۱) نیز به همین صورت ضبط شده است (نک: اصطخری، ۱۹۶۱: ۱۱۳).

است (نک: همانجا، پاورقی i). این نام در *صورة الارض* ابن حوقل (۱۹۳۹: ۳۵۰/۲) نیز به شکل **کیلکون** آمده است.

در دو ترجمه فارسی کهنی نیز که از *مسالک و الممالک* در دست است^۱ و ایرج افشار به چاپ رسانده، مصحح ضبط **کیل‌کوی** را که صورت آشناتری بوده به متن برده است (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۶۱؛ همو، ۱۳۷۳: ۱۹۷) و در نسخه بدل‌ها، ضبط‌های **کیلکون** و **کیلون** را نیز آورده (افشار ← اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۶۱/پاورقی ۷) و متذکر شده است که «محمّل است **کیل‌کوی** به معنی محله گیلکی‌ها باشد» (همانجا).

تا جایی که نگارنده جستجو کرد، این جاینام به جز موارد مذکور در بالا، تنها در *ه‌یون‌نامه* حکیم زجاجی (۶۸۰ق - اواخر سده هفتم) آمده است:

برو گنجه بستان و آران بگیر	به شمشیر کن کار آران چو تیر
چو در گنجه شه میر میران بود	به جنگ تو در چون اسیران بود
به فرمان آن میر ریزند خون	اتابک برفت از ره کیلکون ^۲

(زجاجی، ۱۳۸۳: ۱۱۹۶/۲)

از ابیات فوق می‌توان دریافت که **کیلکون** - یا مطابق ضبط مصحح *ه‌یون‌نامه*، **کیلکون** - در شمال رود ارس قرار داشته است. از سوی دیگر، در اینجا نیز درست مانند خسرو و شیرین نظامی، شاعر صحبت از «بیرون رفتن از راه **کیلکون**» کرده است. در *سیرت جلال‌الدین منکبرنی* نیز آمده است: «سلطان چند روز در **گنجه** اقامت کرد... پس از راه **کیلکون** به اخلاط رفت و بلاد **گرج** را باز به غارت برهم زد» (خرندزی زیدری، ۱۳۸۴: ۲۶۷). در مجموع، از شواهد مزبور چنین استنباط می‌شود که جاینام مورد بحث، **منزلگاهی** معروف، در جانب شمالی رود ارس بوده و در یک شاهراه قرار داشته است.

متون جغرافیایی هم، محل قرار گرفتن **کیلکون/کیلکون** را در مسیر بردع به دبیل ذکر کرده‌اند

^۱ ایرج افشار برای تمیز دادن این دو ترجمه از یکدیگر، یکی را با نام *مسالک و ممالک* (ترجمه قرن ۶/۵) و دیگری با عنوان *ممالک و مسالک* (ترجمه قرن ۷) چاپ کرده است (نک: کتابنامه).

^۲ مصحح *ه‌یون‌نامه* احتمال داده است که **کیلکون** «شاید **کیلکان** در نزدیکی اردبیل باشد» (پیرنیا ← زجاجی، ۱۱۹۶/۲، پاورقی ۲).

(نک: اصطخری، ۱۹۲۷: ۱۹۳؛ ابن حوقل، ۱۹۳۹: ۳۵۰/۲؛ مقدسی، ۱۹۰۶: ۳۸۲؛ نیز، نک: ترجمه‌های کهن مسالک و الممالک ← اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۶۱؛ هو، ۱۳۷۳: ۱۹۷)، بنابراین محل دقیق این جاینام را باید در محدودهٔ جغرافیایی اران و ارمنستان کهن سراغ کرد.

شایان ذکر است که مسیر بردع (ارمنی: پارتاو/Պարտավ) به دیبل (ارمنی: دیوین/Տիվին) از ایالت سیسجان (ارمنی: سیونیک/Սյունիք) در ارمنستان کهن می‌گذشته است. این شاهراه از یک سو، بخش اعظم شمال‌غربی سیسجان را به دیبل، پایتخت ارمنستان متصل می‌کرد و از سوی دیگر، راه ارتباطی دیبل با بردع اران بود. این جاده از آغاز نیمهٔ دوم قرن ۱۱م/۵ق به تدریج اهمیت پیشین خود را از دست داد (Հակոբյան, 1981: 188).

چنانکه از مآخذ ارمنی برمی‌آید، در ایالت سیسجان و درست در مسیر بردع به دیبل، منزلگاهی معروف به نام گلاکونی (Գեղարունի) قرار داشته که نام آن نخستین بار در کتاب مسافت‌سنج (ارمنی: Մղննաշարիք) اثر آنانیا شیراک^۱ (قرن ۷/۱ق) آمده است و با جاینام گیلکون که جغرافی‌نویسان دورهٔ اسلامی از آن سخن گفته‌اند مطابقت می‌کند (نک: Հակոբյան և այլք, 1986: 1/828).

واژهٔ گلاکونی ارمنی کلاسیک (گرابار) که خود از جاینام اورارتویی Ueliku-hi/ni مشتق شده (برای آگاهی بیشتر، نک: Арутюнян, 1985: 200)، بعدها تحت‌تأثیر ریشه‌شناسی عامیانه به صورت گغارکونیک (Գեղար[ր]քունի[ք])^۲ درآمد است (Երևելյան, 1963: 47)، بنابراین با اطمینان می‌توان گفت که این واژه ارتباطی با جاینام گیلان یا قوم‌نام گیل ندارد. امروز نیز در ارمنستان، استانی به نام گغارکونیک وجود دارد که دریاچهٔ معروف سیوان و بخش اعظم حوضهٔ آبریز آن را دربرمی‌گیرد. باید توجه داشت که دریاچهٔ سیوان نیز در گذشته گلاکونی نام داشته است (برای نام‌های گوناگون این دریاچه، نک: Հակոբյան և այլք, 1986: 4/577؛ نیز، نک: مارکورات، ۱۳۷۳: ۲۲۸).

بدون تردید، جاینام گغارکونیک امروزی، همان گیلکون مذکور در خسرو و شیرین نظامی

¹ Partav

² Dvin

³ Syunik^۴

⁴ Getak^۵ uni

⁵ Mtonačap^۶ k^۷

⁶ Anania Širakac^۷ i

⁷ Geta[r] k^۸ uni[k^۹]

است. البته ارتباط این دو واژه شاید قدری غریب به نظر برسد؛ ولی باید توجه داشت:

۱. تا پیش از سده ۱۱م/ع، **گِغارکونیک** به صورت **گِلاکونی** تلفظ می‌شده است. توضیح یک نکته در اینجا ضروری به نظر می‌رسد و آن اینکه در ارمنی کلاسیک دو گونه **ل/** وجود داشته است: **ل/** نرم یا معمولی، و **ل/** پس‌زبانی. **ل/** پس‌زبانی (*l'*) تا قرن ۱۱م/ع کیفیت سایشی یافته و به **ل/ع/** (*lʰ*) بدل شده است^۳ (برای آگاهی بیشتر در این باره، نک: Աճառյալն, 1971-1979: 4/ 648-654). بنابراین به احتمال بسیار، این جاینام در سواد داستان خسرو و شیرین^۴ به صورت **گیلکون** مضبوط بوده است، چه، اگر شاعر، تنها به سبب همسایگی نام این محل را شنیده بود، باید آن را با **ل/ع/** ضبط می‌کرد.

۲. ابدال مصوت بلند *a* به مصوت کوتاه *a* هم کاملاً طبیعی است و در بسیاری از واژه‌ها از جمله جاینام‌هایی که از زبان‌های گرجی و ارمنی، وارد متون فارسی شده‌اند به چشم می‌خورد (به عنوان نمونه: **گارفی/گرفی**؛ **کاربی/کربی**؛ **آزناور/آزناور**)^۵؛ بنابراین تغییر **گلاکونی** به **گیلکون** نه تنها مانعی ندارد، بلکه کاملاً طبیعی است.

۳. بر اساس شکل ارمنی این واژه می‌توان حدس زد که جاینام مذکور، در فارسی با پای مجهول و **واو** معلوم^۶ (*Gēlakūn*) تلفظ می‌شده و در ضمن شکل صحیح آن، **گیلکون** (با لام مفتوح و **کاف** فارسی در آغاز کلمه) بوده است و نه **گیلکان** یا **گیلگون**. املاي این کلمه به صورت **کیله‌کون** که در نسخه کتابخانه ملی پاریس، مورخ ۷۶۷ (ک ۵۳پ) آمده است، تلفظ آن را به فتح لام تأیید می‌کند.

^۳ ابدال **ل/** به **ل/ع/** را در بسیاری از جاینام‌ها و اسامی خاص ارمنی می‌توان مشاهده کرد؛ از جمله: **آواناک/آغواناک** (اران)؛ **گلب/گنقب**؛ **پلیشه/بغیشه** و غیره.

^۴ بیاضش در گزارش هست معروف/که در بردع سوادش بود موقوف
 کهنسالان این کشور که هستند/مرا بر شقّه این شغل بستند (نظامی، ۱۳۸۶: ۱۳۷)
^۵ نگارنده در مقاله‌ای که به‌زودی چاپ خواهد شد، درباره برخی از این واژه‌ها و تصحیفاتی که در آنها روی داده، به تفصیل بحث کرده است.

^۶ در اینجا یک نکته دیگر را هم باید افزود: بر پایه آنچه یکی از پژوهشگران (عیدگاه طریقه‌ای، ۱۳۹۵: ۸۶) نشان داده، پیش از صامت **نون**، **واو** و **یای مجهول** وجود نداشته است. این وضعیت آوایی خاص را که به سبب صامت **غنه‌ای نون** پیش آمده است، نباید به هر وضعیت آوایی دیگری تعمیم داد (برای آگاهی بیشتر، نک: همانجا).

نتیجه

جاینام **گیلگون** که نظامی در مسیر حرکت خسرو از **موغان** به سوی **قسطنطنیه** به آن اشاره کرده **منزلگاهی** معروف بوده است، در **ارمنستان** کهن. این جاینام که بعدها به **گغارکونیک** بدل شده، تحت تأثیر ریشه‌شناسی عامیانه از صورت کهن **گلاکونی** در ارمنی کلاسیک به وجود آمده است. **گلاکونی** یا همان **گیلگون**، در راه **بردع** به **دبیل** قرار داشته و نخستین بار در کتاب **مسافت‌سنج** اثر آنانیا شیراکی (سده ۱۷م/۱ق) درباره آن سخن به میان آمده است. امروز نیز در ارمنستان، استانی به نام **گغارکونیک** وجود دارد که دریاچه معروف **سیون** و بخش اعظم حوضه آبریز آن را دربرمی‌گیرد. شایان ذکر است که دریاچه **سیون** نیز در گذشته **گلاکونی** نام داشته است. از میان جغرافی‌نویسان دوره اسلامی، **اصطخری** (سده ۴ق)، **ابن‌حوقل** (سده ۴ق) و **مقدسی** (سده ۴ق) به این محل اشاره کرده‌اند. به احتمال بسیار، این واژه در فارسی با **یای** مجهول و **واو** معلوم (*Gēlakūn*) تلفظ می‌شده و در ضمن ضبط صحیح آن، بر اساس شکل ارمنی این واژه، **گیلگون** (با لام مفتوح و کاف فارسی در آغاز کلمه) بوده است و نه **گیلکان** یا **گیلگون**.

کتابنامه

- ابن‌حوقل، ابوالقاسم (۱۹۳۹م)، *صورۃ‌الارض*، تصحیح دخویه، لیدن: بریل.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم بن مُجَدِّد (۱۹۲۷م)، *المسالك و الممالک*، تصحیح دخویه، لیدن: بریل.
- _____ (۱۹۶۱م)، *المسالك و الممالک*، تحقیق مُجَدِّد جابر عبدالعال حسینی، مراجعة مُجَدِّد شفیق غربال، قاهره: هیئة العامة لقصور الثقافة.
- _____ (۱۳۴۰)، *مسالك و ممالک* (ترجمه فارسی از قرن ۶/۵)، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنگاه نشر و ترجمه کتاب.
- _____ (۱۳۷۳)، *ممالک و مسالك*، ترجمه مُجَدِّد بن اسعد بن عبدالله تستری، به کوشش ایرج افشار، تهران: موقوفات دکتر محمود افشار.
- خرندزی زیدری نسوی، شهاب‌الدین مُجَدِّد (۱۳۸۴)، *سیرت جلال‌الاسین منکبرنی* (ترجمه فارسی از اصل عربی از مترجم مجهول در قرن ۷ هجری)، تصحیح، مقدمه و تعلیقات مجتبی مینوی، تهران: علمی و فرهنگی.

- زجاجی (۱۳۸۳)، *ه‌ایون‌نامه* (تاریخ منظم حکیم زجاجی) (ج۲)، تصحیح علی پیرنیا، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- عیدگاه طرهبه‌ای، وحید (۱۳۹۵)، «درنگی بر مباحث فنی شاهنامه در دومین تصحیح دکتر خالقی مطلق»، گزارش میراث، دوره ۳، س ۱، شم ۳ و ۴: ۷۵-۸۸.
- مارکوارت، یوزف (۱۳۷۳)، *ایران‌شهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی*، تهران: اطلاعات.
- مقدسی، مُجَدَّب بن احمد (۱۹۰۶)، *احسن‌التقسیم فی معرفة الاقالیم*، تصحیح دخویه، لیدن: بریل.
- نظامی گنجه‌ای، الیاس بن یوسف (۱۹۶۰)، *خسرو و شیرین*، مصحح: ا. ی. برتلس، ترتیب‌دهنده متن: ل. ا. خه‌تاقوروف، باکو: فرهنگستان علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان.
- _____ (۱۳۷۶)، *خسرو و شیرین*، تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، تهران: قطره.
- _____ (۱۳۷۹)، *خسرو و شیرین*، تصحیح برات زنجانی، تهران: دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۸۶)، *خسرو و شیرین*، تصحیح و شرح بهروز ثروتیان، تهران: امیرکبیر.
- _____ (۱۳۷۶)، *گزیده خسرو و شیرین*، تلخیص، مقدمه و توضیحات: عبدالمحمد آیتی، تهران: علمی و فرهنگی.
- _____، *خمسۀ نظامی*، نسخه کتابخانه ملی پاریس، شم ۱۸۱۷، Suppl. Pers. ۱۸۱۷، مورخ ۷۶۳ ق.
- _____، *خمسۀ نظامی*، نسخه کتابخانه ملی پاریس، شم ۵۸۰، Suppl. Pers. ۵۸۰، مورخ ۷۶۷ ق.
- Арутюнян, В. А. (1985), *Топонимика Урарту*, Ереван.
- Աճառյան, Հ. (1971-1979), *Հայերեն արմատական բառարան*¹ (4h.), Երևան.
- Երեմյան, Ս. Ս. (1963), *Հայաստանը ըստ Աշխարհագրույցի*², Երևան.
- Հակոբյան, Թ. Խ. / Մելիք-Բախշյան, Ստ.Ս./ Բարսեղյան, Հ. Խ. (1986), *Հայաստանի և հարակից շրջանների տեղանունների բառարան*³ (5h.), Երևան.
- Հակոբյան, Թ. Խ. (2007), *Հայաստանի պատմական աշխարհագրություն*⁴, Երևան.

¹ فرهنگ ریشه‌شناختی زبان ارمنی

² ارمنستان بر مبنای کتاب جمانما

³ فرهنگ جاینام‌های ارمنستان و مناطق همجوار

⁴ جغرافیای تاریخی ارمنستان

Gēlakūn – an Armenian Place-Name in Neẓāmī's *Xosrow o Šīrīn*

Amir Zeyghami

Russian- Armenian (Slavonic) University, Yerevan

Abstract

In Neẓāmī's *Xosrow o Šīrīn* when Xosrow leaves Šīrīn in *Muyān* (*Muqān*) and departs to Constantinople, the poet refers to a toponym named *gylk/gwn*, which has not yet a reliable interpretation. It seems that گیلگون/گیلگون in the Neẓāmī's poem should be identified with *Getak'uni*, a region in the Lake Sevan basin. The present paper is an attempt to identify the place-name گیلگون/گیلگون in the text of Neẓāmī's *Xosrow o Šīrīn*.

Keywords: *Neẓāmī's Xosrow o Šīrīn, Gēlakūn, Getak'uni, Armenia.*